

📍 پرس و جو

۱. میزان مشارکت سیاسی

در انقلاب فرانسه، جز جمعیت محدودی از طبقه اشراف و بورژواها، با نظام همکاری نکردند و فقط در منطقه جغرافیایی پاریس فعال بودند. در انقلاب روسیه نیز عده محدودی از کارگران کارخانجات و سربازان فعال بودند و گروه‌های شرکت‌کننده همان کارگران و سربازان و حزب بلشویک بود و فقط در منطقه جغرافیایی پترزبورگ– مسکو فعال بودند؛ اما در انقلاب اسلامی ایران تمام اقشار ملت اعم از کارگران، کارمندان، دانشگاهیان، بازاریان، روحانیون و... در تمام نقاط کشور همزمان؛ ولی به‌طور عمده در شهرها مشارکت فعال داشتند. بر این اساس می‌توان گفت: یکی از مشخصه‌های انقلاب اسلامی شرکت وسیع مردم در آن می‌باشد که در مقایسه با دیگر انقلاب‌ها، بسیار چشمگیرتر و فراگیرتر بوده است.

پروفسور حامد الگار در این زمینه می‌گوید: «یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران شرکت وسیع توده‌های مردم بود. در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین انقلاب همیشه با جنگ داخلی همراه بود...» فرد هالیدی نیز معتقد است که از لحاظ به صحنه کشاندن اقشار وسیع مردم، انقلاب اسلامی عظیم‌ترین انقلاب تاریخ است.

۲. رهبری

در انقلاب فرانسه رهبران اصلی انقلاب به‌طور خلق‌الساعه در این مقام قرار گرفتند و وابستگی طبقاتی داشتند و در انقلاب روسیه نیز، در فوریه ۱۹۱۷ نام هیچ رهبری به چشم نمی‌خورد و در اکتبر ۱۹۱۷ نام لنین، تروتسکی، استالین، بوخارین و... به چشم می‌خورد که اینان هم مانند رهبران انقلاب فرانسه، پایگاه مردمی چندانی نداشتند و توده‌های مردم لنین را نمی‌شناختند؛ ولی در انقلاب اسلامی ایران رهبر انقلاب از یک پایگاه وسیع و عمیق مذهبی و بلامنازع برخوردار بود. او هم طراح، هم ایدئولوگ و هم معمار، مدیر و مجری انقلاب بود که در همه مراحل انقلاب چه قبل و چه بعد از پیروزی به این عنوان شناخته شد.

۳. ایدئولوژی

در انقالب فرانسه اساس ایدئولوژی، لیبرالیسم بود که هرچند در پیشبرد انقلاب نقشی نداشت؛ ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب، نقش اساسی داشته است و در واقع، شاخه‌ای از اومانیسم و انسان‌محوری است که آرای‌خواهی را تبلیغ می‌کند. لیبرالیسم گرچه در پیشبرد ابعاد اقتصادی و سیاسی در ظاهر تا حدودی موفق بوده است؛ ولی در ترویج ارزش‌های مثبت اخلاقی و فضائل انسانی با شکست مواجه شده است که همین امر موجب نوعی ایجاد سردرگمی روحی و توسعه بیماری‌های روانی و افزایش روزافزون خودکشی در جوامع پیشرفته صنعتی گردیده است تا آنجا که امروزه این بحران غنییم اجتماعی روانی، ذهن بسیاری از اندیشمندان غربی را به خود مشغول کرده تا به امید رهایی از این، بن‌بست راه حلی ارائه دهند.

برخی چون آرنولد توین‌بی، اریک فروم، پدل فورد و تا حدودی هربرت مارکوزه، چاره آن را در احیای عنصر مذهب بر اساس مقتضیات زمان می‌دانند و برخی دیگر چون ژان‌پل سارتر معتقدند، درمان جدی و اساسی برای این بحران انسان وجود ندارد و تنها راه علاج، دادن فرصت‌ها و امکانات لازم به فرد فرد انسان‌هاست که طبق مصالح و خواسته‌های فردی خود، آن چنان که لازم بدانند، خود را با شرایط موجود تطبیق دهند.

اساس ایدئولوژی در روسیه، مارکسیسم – لنینیسم بود که این ایدئولوژی نیز، در انقلاب نقشی نداشت؛ ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب و تحولات بعدی نقش اساسی را به عهده داشته است؛ ولی انقلاب اسلامی ایران همانند انقلاب کبیر فرانسه، برای کسب آزادی تنها و یا مثل انقلاب اکتبر روسیه، یک انقلاب کارگری نبود؛ بلکه در انقلاب اسلامی تأکید بر ایدئولوژی اسلام با تکیه بر تعلیم مکتب تشیع بود که در تهییج و تشکل مبارزات مردمی و نهایتاً سقوط نظام شاهنشاهی و نیز در شکل‌گیری تحولات بعد از انقلاب، با تکیه بر اصل ولایت فقیه نقش زیر بنایی داشته است. در انقلاب اسلامی آزادی به آن معنا که در غرب مطرح است، وجود ندارد. در اسلام انسان موجودی آزاد است؛ اما نه به‌معنای رها و لاقید و بی‌بندوبار بلکه به-معنای مختار و انتخاب‌گر. در این مکتب انسان موجودی است که آزادانه در سرنوشت خویش باید تصمیم‌گیری نماید. در جمهوری اسلامی افراد جامعه در محدوده قوانین اسلامی و با توجه به مصالح جامعه، هم آزادی مذهبی وجود دارد و هم آزادی سیاسی، هم آزادی بیان و هم آزادی عقیده... در نظام اسلامی اقلیت‌ها و پیروان دیگر مذاهب آزادند، به آئین و معتقدات خویش پایبند باشند و به برنامه و راه و روش خود عمل نمایند.

در انقلاب فرانسه، رهبران انقلاب گام‌هایی در جهت جدایی کامل سیاست از دین یعنی سکولاریسم



فرق انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها چیست؟

مقایسه پدیده‌های مشابه می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر آنها مفید واقع شود. در تاریخ جهان انقلاب‌هایی رخ داده که ممکن است بین این انقلاب‌ها تشابهات فراوانی وجود داشته باشد. بحث مراحل یا روند انقلاب، در قرن بیستم و پس از انقلاب روسیه، مطرح شد. در این میان برخی از محققان غربی که پدیده انقلاب را بررسی می‌کردند، متوجه شدند که بین انقلاب روسیه و انقلاب‌های فرانسه، انگلستان، هلند و... شباهت‌هایی وجود دارد که این، موجب پیدایش مکتبی به‌نام تاریخ طبیعی انقلاب گردید.

نویسندگان این مکتب معتقدند که انقلاب‌های گذشته، کم و بیش روند مشابهی را طی کرده‌اند و این روند برآیندی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. از مهمترین نویسندگان این مکتب «کرین برینتون» و «ادوارد بتی» می‌باشند؛ اما انقلاب اسلامی خط بطلان بر نظریات این مکتب کشید. اگرچه در بعضی موارد انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها وجه تشابه دارد، در عین حال شرایط و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی آنها تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد و از آنجا که کثرت پدیده‌های مورد مقایسه کار سنجش و تطبیق را به مشکل و پیچیده می‌سازد، ما در این نوشتار انقلاب فرانسه و روسیه را به‌عنوان دو سمبل از دو نظام غرب و شرق و دو ایده‌ولوژی متفاوت شناخته‌شده، برای مقایسه با انقلاب اسلامی که آرمان‌های مذهبی و حاکمیت جهانی اسلام و حاکمیت مستضعفان و مستکبران را نوید می‌دهد، برگزیده‌ایم. باید توجه داشت که مقایسه این دو انقلاب با انقلاب اسلامی، نیاز به یک تحقیق وسیع و مشروح دارد که در این نوشتار مختصر نمی‌توان به این مهم دست‌یافت. از این رو می‌خواهیم، یک چهارچوب کلی برای مقایسه این سه انقلاب با یکدیگر ارائه دهیم.

می‌دانند.

یکی از اصول دیگر انقلاب فرانسه، ناسیونالیسم بود و ناسیونالیسم قرن نوزدهم از انقلاب فرانسه زاییده شده و از آن پس، یکی از شرایط و اصول اساسی حکومت‌های ملی قلمداد گردید و به‌عنوان یک نهضت‌سیاسی، همراه با افکار و عقاید ویژه‌ای در اروپا رواج پیدا نمود. انقلاب فرانسه ابتدا مفهوم حکومت ملی را شور و حرکت‌بخشید و سپس آن‌را به‌عنوان الگو و سرمشق معرفی کرد که تا دو قرن نفوذش ادامه یافت و وقتی ناپلئون که خود عامل توقف جریان انقلاب فرانسه بود، مروج مفاهیم جدید سیاسی در سراسر اروپا شد و آمیزه‌ای از آرمان‌گرایی، ناسیونالیسم و سکولاریسم را عرضه داشت. انقلاب روسیه نیز، خواستار استقرار نظام انتر ناسیونال سوسیالیسم بود و آن‌را به‌عنوان هدفی کاملاً جهان‌شمول تبلیغ و تجویز می‌کرد.

اما انقلاب اسلامی نه با ناسیونالیسم و ملی‌گرایی میانه‌ای دارد و نه با انترناسیونالیسم کمونیستی و بی‌فرهنگی سرمایه‌داری؛ بلکه بدین معنی است که آقای حامد الکاز می‌نویسد: انقلاب اسلامی ایران بر عکس همه انقلاب‌ها، تداوم و توالی‌بخش مهمی از میراث اسلامی است.به یک معنی آغاز این میراث به قرن هفتم میلادی و گشوده شدن ایران به روی اسلام برمی‌گردد و یکی از عوامل مهمی که انقلاب اسلامی ایران را از تمامی انقلاب‌های دگرگون‌ساز دیگر متمایز می‌سازد، همین ریشه‌های عمیقی است که این انقلاب در گذشته تاریخی دارد.

امروزه می‌بینیم که به اعتقاد صاحب‌نظران آنچه

فرهنگ غربی را مورد تهدید قرار می‌دهد، همین

سکولاریسم است که ملهم از انقلاب فرانسه

می‌باشد و امروزه تنها راه رهایی از این بحران را در

احیای عنصر مذهب می‌دانند. آقای برژینسکی می‌گوید: سکولاریسم عنان گسیخته حاکم بر نیم‌کره غربی، در درون خود نقطه ویرانی فرهنگ غربی را می‌پرورد؛ از این‌رو آنچه ابرقدرتی آمریکا را در معرض زوال قرار می‌دهد، همین سکولاریسم است. پس می‌توان نتیجه گرفت که مسئله توجه به عنصر مذهب، به‌عنوان نقطه اتکایی برای بسیاری از اندیشمندان غربی و مارکسیست فراموش‌شده است و تنها راه چاره را در احیای عنصر مذهب

(ب) استقرار عدالت اجتماعی؛

(ج) استقرار نظام سیاسی اسلام؛

(د) تقویت عملی و فرهنگی جامعه.

۵. هویت

یکی از تفاوت‌های دیگر انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های روسیه و فرانسه، این است که انقلاب فرانسه یک انقلاب لیبرال بورژوازیی و از نتایج آن، واژگونی نظام سلطنتی و برقراری یک جمهوری پارلمانی بود و انقلاب روسیه، یک انقلاب سوسیالیستی و از نتایج آن سرنگونی حکومت تزاری و نهایتاً تسلط نظام سوسیالیسم بود؛ ولی انقلاب اسلامی، یک انقلاب دینی و ضد استکباری است که تنها به واژگونی کامل استبداد اکتفا نکرده و در واقع انقلابی در فرهنگ انقلاب‌های جهان به‌وجود آورد. انقلاب اسلامی رژیم شاهنشاهی را سرنگون و حکومت اسلامی را برقرار کرد و به‌خاطر ماهیت ضد استکباری خود از همان ابتدا با دشمنی تمام ابرقدرت‌ها روبه‌رو بوده است.

۶. آزادی و عدالت

در انقلاب‌های لیبرالیستی غربی، آزادی افراد به‌قیمت فدا کردن عدالت اجتماعی مطرح می‌شود و در انقلاب‌های مارکسیستی، عدالت اجتماعی را با اعمال خشونت و دیکتاتوری و به‌قیمت از دست دادن آزادی‌های فردی نوید می‌دهند؛ ولی در سیستم سیاسی اسلامی، عدالت اجتماعی همراه آزادی فردی به‌طور متوازن و تا آنجا که ممکن است، به‌طور هماهنگ مطرح می‌شوند. اسلام آزادی لیبرالیستی را که به بی‌عدالتی‌ها و فاصله‌های زیاد طبقاتی منتهی می‌شود، نفی می‌کند؛ چنانکه مساوات و برابری بدون توجه به خصوصیات و استعدادهای فردی را نیز که حالت تحمیلی دارد و همراه با زور و دیکتاتوری است، نمی‌پذیرد. روح برادری را ترویج و امتیازات بی‌جا و تبعیض طبقاتی را تکذیب می‌کند و از این رو، مورد توجه بسیاری از مردم محروم دنیا قرار گرفته است. نهریو می‌گوید: مسئله مساوات اسلامی روی افکار هندوها، خصوصاً طبقه محرومشان تأثیر عمیق بخشیده است؛ زیرا اسلام بساط اختلافات طبقاتی و امتیازات نژادی را از میان برده است و میان ملل مختلف روابط حسنه بر اساس عدل و مساوات برقرار می‌سازد.

در پایان باید متذکر شویم، همین ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی بود که توجه بسیاری از مردم دنیا به‌ویژه قشر روشن‌فکر و پاسدار را به خود جلب نمود. انقلاب اسلامی نیامد تا برنامه‌های انقلاب دموکراتیک فرانسه را با برنامه‌های سوسیالیستی انقلاب روسیه را پیاده کند؛ بلکه آمد تا محیطی را برای رشد و شکوفائی ایده‌های نوین و مناسب با ربع آخر قرن بیستم فراهم سازد و سعی دارد، یک مکتب جامع پویا و سازنده بر اساس اصول اسلام برپا بماند. اسکاچپل که مطالعات وسیعی در زمینه بررسی تطبیقی انقلاب‌ها انجام داده است، می‌گوید: جای تردید نیست که علل بروز انقلاب ایران، با آنچه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین رخ داد، متفاوت بوده و اختلافات فاحش دارد؛ انقلاب ایران پدیده‌ای کاملاً خلاف طبیعت بود. این انقلاب محققاً یک انقلاب اجتماعی است؛ مع ذلک پروسه انقلاب مخصوصاً حوادثی که منجر به سقوط شاه شد، علت‌هایی را که در مطالعه تطبیقی خود از انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین مطرح کرده بود، زیر سؤال برد. انقلاب ایران آشکاراً آن‌قدر مردمی بود و آن‌قدر روابط اساسی و پایه فرهنگی – اجتماعی و اقتصادی – اجتماعی را در ایران تغییرداد که حقیقتاً از نمونه‌های انقلاب‌های اجتماعی – تاریخی بزرگ می‌باشد...

در پایان باید این فراز از وصیتنامه سیاسی امام خمینی‌[‌] را متذکر شویم که می‌فرماید:

«...شک نباید کرد که انقلاب اسلامی از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام...» کوتاه سخن اینکه ویژگی‌هایی که انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد، عبارتند از:
۱- حاکمیت الهه ۲- نفوذ و قدرت معنوی رهبری ۳- وحدت و همبستگی تمام اقشار ملت ۴- ارتباط بین دین و سیاست ۵- روحیه ایثار و شهادت‌طلبی مردم ۶- استقلال‌طلبی ۷- آزادی‌خواهی ۸- سازش‌ناپذیری ۹- عدم وابستگی به شرق و غرب ۱۰- حفظ اصول انقلاب حتی در شرایط دشوار ۱۱- رسیدن به پیروزی با کمترین خسارت و خون‌ریزی ۱۲- تغییرات بنیادی و پرهیز از رفوریسم ۱۳- تلاش برای خودکفائی اقتصادی ۱۴- پایگاه مردمی انقلاب و پذیرش آن از سوی ملل آزاده جهان ۱۵- دنبال کردن اهداف عمیق انسانی و معنوی در کنار اهداف مادی و اقتصادی ۱۶- همراه بودن انقلاب با مشروعیت دینی ۱۷- تفاهم و یگانگی میان دولت و ملت ۱۸- جامعیت انقلاب اسلامی نسبت‌به همه ابعاد انسانی-اجتماعی.

منبع:چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، ۳۳۷ نویسنده: محمدباقر حشمت‌زاده،

به‌نقل از:لوح فشرده پرسیمان، اداره مشاوره نهاد رهبری.

تهیه و تنظیم: علیرضا مکتب‌دار

آیت‌الله اعرافی

در سالگرد ارتحال آیت‌الله نظری خادم‌الشریعه ^{رحمه‌الله} در ساری

آیت‌الله نظری ^{رحمة‌الله‌علیه} ستاره‌ای از منظومه خطه شمال است

آیت‌الله اعرافی با بیان اینکه مردمی بودن و زهد همواره جز افتخار عالمان دینی در طول تاریخ بوده است، گفت: اگر این ویژگی‌ها از یک روحانی گرفته شود آنگاه آن فرد روحانی واقعی نخواهد بود.



به گزارش خبرگزاری حوزه از مازندران، آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه، ۳۰دی در نخستین سالگرد ارتحال آیت‌الله نظری خادم‌الشریعه ^{رحمه‌الله} در مسجد جامع ساری، با اشاره به جایگاه تاریخی مازندران در عالم‌پروری، گفت: جایگاه بلند این استان در پرورش عالمان بزرگ و نقشی که استان و بزرگان آن در علوم و معارف الهی در طول تاریخ داشتند، بسیار برجسته و روشن است. وی با بیان اینکه مردم این منطقه یک پایگاه قدرتمند نورانی و سیاسی برای اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} و خاندان پیامبر بودند، ادامه داد: پرورش یافتگان این خطه، مشعل معارف اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} و قدرت اجتماعی و سیاسی اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} را در این منطقه نورانی در روزگاری که خاندان پیامبر در غربت و مظلومیت بودند، روشن کردند.

مدیر حوزه‌های علمیه با اشاره به اینکه سرداران و نام‌آوران بزرگ خطه شمال و علویان و دودمان‌های پاک در دوران غربت و مظلومیت اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}، پرچم خاندان پیامبر، عاشورا و خونخواهی سالار شهیدان را برافراشتند، خاطرنشان کرد: وقتی تاریخ حوزه‌های علمیه، عالمان دینی و بزرگان شریعت را در این استان ورق می‌زنیم، در فصل فصل آن ستارگان درخشان و خورشیدهای فروزان می‌بایند.

عضو فقهای شورای نگهبان با بیان اینکه متفکران علوم عقلی، فلسفی و کلامی که از این منطقه برخاسته‌اند نقش بزرگ و پیشرانی در پیشبرد معارف الهی و علوم اسلامی و حوزه‌های علمیه داشتند، افزود: فقهای سرافراز و بزرگ، سیاست‌مداران دینی و محدثان، مفسران و تاریخ‌نگاران جزء سرمایه‌های اصلی ایران و اسلام و حوزه‌های علمیه هستند.

آیت‌الله اعرافی با اشاره به اینکه همه ما وامدار مردم هستیم، ادامه داد: اگر روحانیت، حوزه و دانشگاه سخنی می‌گوید و مسئولان نیز اقدامی می‌کنند، تنها برای مردم است و این مردم بودند که در طول قرن‌ها افتخار آفرینند و با تربیت بزرگانی هم این خطه را نورانی کردند و حوزه‌های علمیه، ایران و جهان اسلام نیز در پرتو افکار نورانی آنها بهره‌مند شدند.

وی به ویژگی‌های آیت‌الله نظری خادم‌الشریعه ^{رحمه‌الله} اشاره کرد و گفت: آیت‌الله نظری ^{رحمه‌الله} با آن سوابق درخشان دانش، زهد، تقوا، مردم‌داری و همه فضایل اخلاقی، یک ستاره از این منظومه و کهکشان خطه شمال است.

مدیر حوزه‌های علمیه با بیان اینکه در عصر انقلاب اسلامی، مردم مازندران جزء پیشگامان نهضت و انقلاب اسلامی بودند، تصریح کرد: تاریخ را باید شناخت و بر این تاریخ نورانی علم و فرهنگ تکیه کرد.

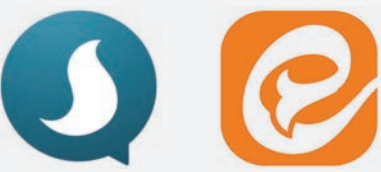
آیت‌الله اعرافی در بخش دیگری از سخنان خود به تلاش دشمنان در جهت از بین بردن هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی جامعه اشاره کرد و گفت: مردم ما، مردم تاریخ‌داری هستند و به همین تاریخ پرافتخار تکیه زدن و از همین منطقه در طول قرن‌ها عالمان بزرگی برخاسته‌اند و امروز نیز این ظرفیت وجود دارد.

عضو فقهای شورای نگهبان به نقش مهم نهادهای آموزشی به‌ویژه آموزش و پرورش در توجه به این داشته‌های مهم تاریخی اشاره کرد و افزود: باید این هویت مهم تاریخی، دینی، فرهنگی و انقلابی در ذهن نسل جدید بنشیند و این وظیفه آموزش و پرورش است.

وی در ادامه، مسئولیت انسان را وابسته به یک سلسله عوامل علم و دانش، توانایی، دارایی، موج عمل و همچنین پیشگامی در پایه‌گذاری کار خیر و نیک دانست و تصریح کرد: کسانی که موج عمل بیشتری دارند به طور حتم مسئولیت آنها در جامعه نیز بیشتر خواهد بود.

عضو فقهای شورای نگهبان افزود: عالمی همچون آیت‌الله نظری خادم‌الشریعه ^{رحمه‌الله} علم، دانش و تقوای او در جامعه شعاع پیدا می‌کند و همه از او بهره می‌برند و این شعاع نورانی را باید قدر دانست.

وی به مردمی بودن علمای دین اشاره کرد و با بیان اینکه مردمی بودن و زهد همواره جز افتخار عالمان دینی ما در طول تاریخ بوده است، تصریح کرد: اگر این ویژگی‌ها از یک روحانی گرفته شود آنگاه آن فرد روحانی واقعی نخواهد بود.



کانال هفته‌نامه افق حوزه

در پیام‌رسان‌های سروش و ایتا

@ofogh_howzah